

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



mighatmehr.ir

وبگاه فرهنگ - اجتماع میقات مهر

برای فرهنگ سازی عمومی

و سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

و سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که می میرد و روزی که مبعوث می شود.

(قرآن کریم، مبارکه مریم، آیه ۱۵)

عضو محترم پایگاه فرهنگ میقات مهر

سلام بر شما و رحمت و برکات الهی

تولدتان را صمیمانه تبریک عرض می کنیم. امیدواریم آن قدر عمرتان برکت داشته باشد که روز به روز به خطاب خداوند درباره حضرت یحیی (سلام بر او روزی که متولد شد ...) نزدیک تر شوید.

ابتدا قرار بود تنها تبریکی به رسم یادآوری دوستی ها خدمتتان عرض کنیم اما گفتیم چه فرصتی بهتر از این که از دردهای فرهنگی خفته و از جریان های ضد دین که در اطرافمان می گذرد بگوئیم و دعوتی دیگر برای قیام در جهت فرهنگ سازی الهی و انسانی در جامعه داشته باشیم. لحن تند این نوشتار را حمل بر نادیده گرفتن تلاش های فرهنگی و بزرگواری های آنان نکرده و آن را به حساب دردمندی و دلسوزی نسبت به نیازهای جامعه بگذارید.

جهان دچار جهالت است. روزی گلدیاتورها مجبور می شدند برای سرگرم کردن عده ای، یکدیگر را به کام مرگ کشند و امروز اعتیاد به مواد مخدر، بازی های رایانه ای، خوش گذرانی های غیرمسئولانه، رعایت نکردن سلامت جنسی، فدا کردن اخلاق برای ثروت اندوزی، عدم توجه به بهداشت محیط، ضایع کردن حقوق دیگران، دور شدن از اخلاق و معنویت و دین و در نهایت رها کردن حیات معقولانه، همه دست به دست هم داده که شاید لحظه ای در ظاهر خوش برای عده ای فراهم کند اما بشریت را در ستمدیدی و رکود فرو برد.

در این روزگار انسان هایی نیز هستند که با تمام توان خویش برای کاهش این ستم ها و فسادها تلاش می کنند. اینان باید فراتر از نگاه مردم عصر خود به اطراف خویش بنگرند، باید انسان هایی منصف باشند و سخن دیگران را بشنوند و به خود جرأت دهند که آن ها را نقد و تحلیل کنند و شاید بهترین کمک در این مسیر، فهمیدن زوایای دین حق با مراجعه مستقیم به قرآن و روایات در کنار نظر کردن به تحلیل کارشناسان دین است.

گاه بشریت متوجه برخی اشتباهات خود می‌شود اما به‌هر حال به خاطر دوری از راهبری معصوم، درگیر با چیزهایی است که فکر می‌کند مایه نجات اوست درحالی‌که عمر ارزشمندش را به نابودی کشانده و غم و اندوه را در جوامع گسترده است.

نمونه‌ای از گسترش غم و اندوه با تصورات نادرست برای بخشی از بشریت، این است که نگاهی را در جامعه ترویج می‌کنند که نتیجه‌اش این است که خوشبختی درگرو تجملات چشم پر کن است و با ست بودن آشپزخانه و مد بودن لباس و برند بودن لوازم زندگی، آسوده خواهید زیست. این نوع دیدگاه‌ها همچون نگاه‌های دوران برده‌داری یونانی، موجب اتلاف عمر و سوختن دل‌های کسانی است که توان تأمین مثل آن را ندارند و ظرفیت چشم‌پوشی آنان نیز پایین است.

هر جامعه‌ای مشکلات خاص خودش را دارد و از این جهت مقایسه ایران با دیگر کشورها معمولاً سطحی انجام می‌شود. ولی از مسلمان، توقع بسیار بیشتری داریم. وقتی ما علت حرام بودن برخی موسیقی‌ها را دور شدن از تعقل می‌دانیم، پس کسی که به‌دوراز تعقل زندگی می‌کند، چگونه نام مسلمان بر خود می‌گیرد؟ ما انسان را گرگ انسان دیگر نمی‌دانیم پس باید استانداردهای بالاتری را توقع داشته باشیم. این در حالی است که در برخی شاخص‌ها از برخی کشورها پایین‌تر هستیم.

استفاده از مواد دخانی، آمار طلاق، تعداد پرونده‌های قضایی، نارضایتی از زندگی، اظهارنظر بدون علم، پایین بودن سطح مطالعه، بی‌توجهی به حقوق دیگران (حق الناس) همگی معضلاتی است که اگر به فرهنگ اسلامی عمل می‌کردیم، اکنون بهترین شاخص‌ها را در این موارد در میان کشورهای جهان داشتیم. (هرچند اکنون نیز درمجموع جایگاه خوبی داریم اما اگر مسلمان باشیم، بسیار بالاتر قرار خواهیم داشت). اگر نسبت به مشکلات عمده انسانی بیندیشیم، راهکارهای بسیاری متناسب با فرهنگ جامعه خویش خواهیم یافت. ما در اندیشه‌ها و تصوراتمان نقص‌هایی داریم که دچار گرفتاری‌هایی می‌شویم. برای نمونه، درباره فرهنگ گفتگو در خانواده‌ها و میزان ضرورت آن، باید نگاه دیگری پیدا کنیم. درباره میزان نیازمندی به کتاب‌های خوب و ضرورت مراجعه به کارشناسان مسائل مختلف باید تجدید نظر کنیم و اگر این تغییرات اتفاق نیفتد، نباید منتظر رشد و رهایی جامعه باشیم.

موضوع دیگر، متن‌هایی است که بدون نگاه علمی و تنها با تکیه بر برخی جوانب یک موضوع، با زیرکی فراوان تدوین شده و باورهای اساسی دینی و فرهنگ بومی را هدف قرار می‌دهد. برای نمونه، متن‌هایی که منسوب به صادق هدایت یا حسین پناهی و ... منتشر می‌شود که زیرکانه از بی‌اطلاعی مردم نسبت به نظرات دقیق دین سوءاستفاده می‌کند. (جدا از اینکه ما نقدهای بسیاری به خود صادق هدایت و حسین پناهی و ... داریم، اما برخی از این متن‌ها تنها منسوب به آنان است).

برای نمونه، لذت‌های بهشت که ادامه مراتب عالی اخلاق و انسانیت و زیبایی مطلق است، با گناه‌های لذت جویانه مقایسه می‌شود، گناهکاران به‌عنوان مظلومان جامعه معرفی می‌شوند (هرچند ممکن است در مواردی مظلومیتی هم داشته باشند) و قوانین بازدارنده، به‌عنوان سخت‌گیری بی‌مورد نشان داده می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی

۱. با انصاف بیشتری با متون مخالف فرهنگ دینی برخورد کنیم. از خودمان و بعد از دیگران توقع انصاف در اظهارنظرها داشته باشیم و حق جویی خود را همچون طرفداری‌های متعصبانه از تیم قرمز و آبی قرار ندهیم.
۲. در برابر متن‌ها و حرف‌هایی که پیامی تازه (درست یا نادرست) در بر دارد، بدون تحقیق پیش نرویم. اول بیندیشیم و سپس برای سنجش صحت اندیشه‌های خود و برطرف کردن ابهامات خود وقت بگذاریم. از نظر کسانی که شاید

بیشتر در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، استفاده کنیم و منابعی را که احتمال دارد در آن زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد مطالعه نماییم.

۳. قرآن را مستمر بخوانیم و با تهیه دفترچه‌ای، سؤالات خود را از آیاتی که به نظرم مفهومی «یه جوری» است بنویسیم و به تدریج از ترجمه‌ها، از تفاسیر و از کارشناسان به دنبال پاسخ آن‌ها برویم. نام این فرآیند را تدبر می‌گذاریم. اول در آیات بیندیشیم و سپس به تفاسیر و دیدگاه‌های کارشناسی مراجعه کنیم تا گرفتار تفسیر به رأی نشویم و قدرت اندیشیدن را نیز تقویت کنیم.

۴. فرصت ما برای خوب بودن کم است. به آن قدر که می‌فهمیم لاقلاً فعلاً عمل کنیم چراکه لازمه‌هایی از خوب بودن را هنوز شاید نفهمیده باشیم و بدون عمل کردن هم شاید به آن افق‌های تازه نرسیم.

۵. آن قدر که می‌فهمیم نظر دهیم، بنویسیم و تبلیغ کنیم. لازم نیست مجتهد باشیم تا نظر دهیم به شرطی که بیش از فهم خود و بیش از مطالعات خود ادعا نکنیم تا موجب گمراهی عده‌ای گردد. باید بیشتر بنویسیم.

۶. از قالب‌ها بیرون بیاییم؛ گاه کنار جمعی در پارک و دانشگاه و ... بنشینیم، درباره آنچه فهمیده‌ایم سخن بگوییم، از فضای ذهنی و سؤالات دیگران مطلع شویم و برای یافتن پاسخ‌هایشان بکوشیم.

وظیفه اول ما نسبت به خودمان است. اما آن قدر وقت داریم که برای شغل آینده، برای مسیر تحصیلی، برای اوقات فراغت، برای مطالعات و برای تعامل‌های خود، راهی را در پیش بگیریم که بیشتر به نفع اخلاق و معنویت جامعه ما باشد. حفظ کردن خویشتن، وظیفه اول است اما باید با فهم نظر دین‌ستیزان، اشتباهات حساس آن‌ها را بیابیم و به جامعه گوشزد کنیم. امام عصر (عجل الله فرجه)، به بشریت نظر دارند و ما قرار نیست با بی‌تفاوتی نسبت به دیگران خوب بمانیم و بتوانیم فرزندان صالح تربیت کنیم. غیبت ولی، به‌رغم همه مصیبت‌هایی که برای ما داشته و دارد، زمانه بزرگ امتحان و فرصت تلاش‌های عظیم است.

خداوند بر توفیقاتتان بیفزاید.

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

از طرف پایگاه فرهنگی میقات مهر

سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵



ارسال ایمیل

info@mighatemeir.ir



میقات مهر برای فرهنگ عمومی

[@mighatemeir](https://www.instagram.com/mighatemeir)



کانال میقات مهر

[@mighatemeir](https://www.t.me/mighatemeir)



پایگاه فرهنگی میقات مهر

<http://mighatemeir.ir>